

ری در عصر ساسانیان بر اساس منابع پایه

ریکا گیزلن

مدیر تحقیقات دانشگاه سوربن و مرکز ملی پژوهش‌های علمی پاریس

باهمکاری تورج دریایی

استاد دانشگاه اروین و مدیر مرکز مطالعات ایرانی دکتر سمونل جردن، دانشگاه کالیفرنیا

ری به علت قرار گرفتن در تقاطع جاده‌ای که فلات ایران را از شرق به غرب و از جنوب به شمال مرتبط می‌ساخت و همچنین به اعتبار آب وهوا و جایگاه جغرافیایی مناسب، تبدیل به مرکز اداری موفقی شده بود. در عصر ایزیدور خاراکسی (قرن اول پیش از میلاد)، ری که در آن هنگام معروف به راغه بود، بزرگ‌ترین شهر سرزمین ماد به شمار می‌آمد.^۱ در آستانه به قدرت رسیدن ساسانیان، شهر همدان که در حدود سیصد کیلومتری غرب ری واقع بود و در عین حال بر سر راهی قرار داشت که آسیای میانه را به دشت‌های بین‌النهرین متصل می‌ساخت، مقام پایتخت سرزمین ماد و دومین پایتخت امپراتوری اشکانیان را داشت. منابع تاریخ‌نگاری ری را به خانواده مهران، که از

ریکا گیزلن مدیر تحقیقات دانشگاه سوربن و مدیر مرکز ملی پژوهش‌های پاریس و عضو پژوهشی مرکز جهان‌های ایرانی و هندی است. تمرکز پژوهشی او بر مهرشناسی، سکه‌شناسی و در کل فرهنگ مادی و منابع اولیه مرتبط با تمدن ساسانی و پساساسانی است. همچنین، در پروژه‌های متعدد ایران‌شناسی از جمله مطالعات ایران (Studia Iranica)، مجموعه پیشبرد مطالعات ایران و گروه مطالعاتی خاورمیانه مشارکت دارد.

Rika Gyselen <rika.gyselen@cnrs.fr>

تورج دریایی استاد تاریخ ایران و جهان فارسی‌زبان دانشگاه اروین و مدیر مرکز مطالعات ایرانی دکتر سمونل جردن دانشگاه کالیفرنیا است. علاقه اصلی او پژوهش در تاریخ ایران پیشامدرت است و پژوهش‌هایش تاریخ دوران ساسانی، زبان و ادبیات فارسی میانه، دین زرتشت و سکه‌شناسی ایرانی را در بر می‌گیرد. برخی از آثار او عبارت‌اند از ایران ساسانی، شهرستان‌های ایران‌شهر، تاریخ و فرهنگ ساسانی و آخرین اثرش، کاویدن یک امپراتوری.

Touraj Daryaei <tdaryaei@uci.edu>

Route Between the Levant Road and India in the First Century B.C. (Philadelphie: Commercial Museum, 1914), 6-7.

ترجمه فرزانه زارعی.
I. W. H. Schoff, *Parthian Stations by Isidore of Charax. An Account of the Overland Trade*

ISSN 0892-4147/print/ISSN 2159-421X online/2014/29.2/36-48.

خاندان‌های ممتاز منطقه بودند، نسبت می‌دهند. با این وصف، ایجاد روابط سیاسی با آنان از طرف قدرت مرکزی، چه اشکانیان و چه ساسانیان، چندان ساده نبود.

از منابع عربی - ایرانی اطلاعات فراوانی در خصوص تاریخ ری پس از دوران ساسانیان به ما رسیده است. بر اساس آن منابع، در آن دوره ری دارای چندین مرکز اداری بود که هر کدام با جمعیتی بیش از ۱۰ هزار نفر^۲ به شهری کوچک مانند بودند. احتمال می‌رود که بعضی از این آگاهی‌ها مربوط به دوره ساسانیان باشند. لیکن، طبق معمول، به سختی می‌توان بر اساس منابع عربی - ایرانی واقعیت امر را به درستی تشخیص داد. به نظر چنین می‌رسد که کوشش برای شناسایی بخش‌های اداری ری در دوره ساسانیان از طریق مقابله نظام‌مند نام‌های آن بخش‌ها که در منابع عربی - ایرانی ذکر شده‌اند، با آنچه بر روی مهرهای اداری استان ری دیده می‌شوند، لاقلاً با اطلاعات کنونی ما کاری عبث باشد. بعد از نابودی شهر ری به دست مغول در ۱۷/۶۱۷ق/۱۲۲۰م، که ساکنان آن را مجبور به مهاجرت به شهرهای دیگر و به‌ویژه تهران و ورامین کرد، شهر ری هرگز رونق پیشین خود را باز نیافت.

تا دهه ۱۹۶۰، منابع پایه‌ای که در آنها از شهر ری یاد شده است به دو عبارت موجود در کتیبه‌های معماری و مسکوکات محدود می‌شدند.

کتیبه‌ها

از ری در سنگ‌نوشته شاپور اول بر پیشانی کعبه زردشت در چارچوب مشخصی این جمله یاد شده است:^۳

št' t ZY dpyr ZY mtr'n ZY MN ldy / Aštād ī dibīr ī Mihrān ī az Ray

اشتاد دبیر مهران از ری. از این جمله دو برداشت می‌توان کرد: منظور یا "اشتاد دبیر، [از خاندان] مهران ری" است یا "اشتاد، دبیر پیمان‌نامه‌ها از ری."^۴ در اینجا باید لزوماً سخن از یکی از نزدیکان شاه باشد، زیرا این اشتاد جزو کسانی است که شاپور اول "برای روان" او (amā ruwān) روزانه یک گوسفند، یک گریو (grīw) و پنج هوفن (hōfan)

3. P. Huyse, *Die dreisprachige Inschrift Šābuhrs I. an der Ka'ba-i Zardūst (ŠKZ)* [Corpus Inscriptionum Iranicarum] (London, 1999).

4. Huyse, *Die dreisprachige Inschrift Šābuhrs I. an der Ka'ba-i Zardūst (ŠKZ)*, vol 1, 62; vol 2, 175-176, *Translittération, transcription et traduction*.

۲. داده‌های تاریخ‌نگاری بعد از عصر ساسانی را شوارتس در ۱۹۶۹ جمع‌آوری کرده است. در این زمینه می‌توان اطلاعاتی هم در نوشتار لسترانج در ۱۹۲۰ پیدا کرد. بگرید به

G. Le Strange, *The Lands of the Eastern Caliphate* (Cambridge: Cambridge University Press, 1930).

نان و چهار پاس (pās) شراب نثار می‌کرده است. سوالی که باقی می‌ماند این است که آیا اشتاد علاوه بر نزدیکی به شاه از مقام مهمی نیز برخوردار بوده است؟ هر دو تعبیر عبارت فوق می‌توانند به این نظریه مدد رسانند؛ خواه اشتاد از خانواده مهران بوده و خواه دبیری قرارداده‌ها را به عهده داشته، در دستگاه پادشاه از مقامی در ردیف سایر رهبرانی برخوردار بوده است که نام آنان در سیاهه آمده است. گرینشی که تفضلی نیز اخیراً بر نظریه او صحه گذاشت، به خوبی نشان داده است که دبیران شخصیت‌هایی استثنایی بوده‌اند.^۵ بر اساس منابع مکتوب، خانواده مهران به صورت عام، و شاخه آن خانواده در شهر ری به صورت خاص، سرداران متعددی در اختیار حکومت قرار داد که بعضی از آنان، مانند بهرام، تا غصب مسند پادشاهی پیش رفتند. وی از سال ۵۹۰ تا ۵۹۱ م تحت عنوان بهرام ششم سلطنت کرد.^۶

منبع دیگری که از شهر ری در آن یاد شده، سنگ‌نوشته کرتیر در نقش رستم (KNRm) است. همچنین، محتمل است که در سه سنگ‌نوشته دیگر کرتیر (KKZ, KNRb, KSM) هم از ری نام برده شده باشد، لیکن عبارت مشخص مورد توجه ما در کتیبه به خوبی حفظ نشده است.^۷ در کتیبه نقش رستم (KNRm) نام ری در سیاهه مناطقی که ایرانشهر را تشکیل می‌دهند، به صورت سرزمین ایرانیان و بین دو نام اصفهان و کرمان آمده است.^۸

سکه‌ها

محتمل است که ری از زمان اولین شاهان ساسانی دارای یک کارگاه سکه‌زنی مستقل بوده باشد، اما نام ری جز بر روی تعداد نادری سکه از عصر بهرام دوم (ح. ۲۷۶-۲۹۳ م) دیده نمی‌شود. در آن دوران به ندرت اسم کارگاه را روی سکه‌ها ذکر می‌کردند.^۹ ضرب اسم کارگاه‌ها بیشتر از دوره پادشاهی بهرام چهارم (ح. ۳۸۸-۳۹۹ م) رایج شد. از آن پس، ضربخانه ری با نشان ld یا ldy به صورت کارگاه مرتب و پرکاری درمی‌آید. ری

۵. M. Grignaschi, "Quelques spécimens de la littérature sassanide conservés dans les bibliothèques d'Istanbul," *Journal Asiatique*, 254 (1966), 1-128, in particular 101-102; A. Tafazzoli, "Dabir I. In the pre-Islamic Period," *Encyclopaedia Iranica*, vol. 6, fasc. 5, 534-537.

۶. برای اطلاع بیشتر درباره خانواده مهران بنگرید به P. Pourshariati, *Decline and Fall of the Sasanian Empire. The Sasanian-Parthian Confederacy and the Arab Conquest of Iran* (London and New York: I. B. Tauris, 2008), 526-527.

۷. D. N. MacKenzie, "Kerdīr's Inscription," *Iranische Denkmäler*, 13:2; *Iranische Felsreliefs*, 13:1 (Berlin, 1989), 35-72, quote on 35-38.

۸. برای اطلاع از اینکه چرا اسم ری در این فهرست آمده، در حالی که در لیست مناطق امپراتوری شاپور اول از آن نامی برده نشده است، بنگرید به Ph. Gignoux, "La liste des provinces de l'Éran dans les inscriptions de Šābuhr et de Kirdīr," *Acta Antiqua Academiae Scientiarum Hungaricae*, 19 (1971), 83-94.

۹. R. Göbl, *Sasanidische Numismatik* (Braunschweig, 1971), Table 3.

۱۰. R. Gyselen, "Sources arméniennes et sources primaires sassanides : harmonie et dissonance," in M. A. Amir Moezzi, J. D. Dubois, C. Jullien et F. Jullien (eds.), *Pensée grecque et sagesse d'Orient. Hommage à M. Tardieu* (Coll. Bibliothèque de l'EPHE, 2009), 297-311, quote on 303-304.

۱۱. S. Tyler-Smith, "Coinage in the Name of Yazdgerd III (AD 632-651) and the Arab Conquest of Iran," *The Numismatic Chronicle*, 160 (2000), 135-170.

۱۲. H. Gaube, *Anabosamidische Numismatik* (Braunschweig, 1973); G. C. Miles, *The Numis-*

با چند سکه نادر دیگر، که علامت اختصاری (آ پ ل)، به معنای ابرشهر، بر روی آنها ضرب شده، یگانه ضربخانه بسطام غاصب (ح. ۵۹۱ یا ۵۹۲-۵۹۷ م) به شمار می‌آید. این سوال مطرح می‌شود که آیا ضرب این سکه‌ها جزو استراتژی تبلیغاتی بسطام به‌شمار می‌آمده یا این که واقعاً بر ناحیه ری غالب بوده است. ضرب سکه در این کارگاه طی سال هجدهم سلطنت خسرو دوم (ح. ۵۹۰-۶۲۸ م) متوقف گردید. شاید علت آن حمله هفتالیان بوده باشد.^{۱۰} به هر حال، بعد از مدت کوتاهی این کارگاه فعالیت جاری خود را از سر می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد که در دوران سلطنت آخرین پادشاه ساسانی، یزدگرد سوم (ح. ۶۳۲-۶۴۵ م)، فعالیت این ضربخانه کلاً متوقف شده باشد.^{۱۱} آیا ضربخانه ری سکه‌هایی از دوره یزدگرد ضرب کرده که هرگز کشف نشده‌اند یا اینکه این کارگاه واقعاً به کار خود پایان داده است؟ جواب سوال هرچه باشد، می‌دانیم که این کارگاه فعالیت خود را بعد از سقوط امپراتوری ساسانیان از سر گرفت.^{۱۲}

در سال ۱۹۶۸، سومین مأخذ دست اول به مآخذی که از ری نام برده‌اند اضافه شد. مأخذ مذکور عبارت از چندین مهر اداری با نقش‌هایی بر روی گل مهر در مجموعه فروغی بود.^{۱۳} بیست سال بعد از کشف مهرهای مذکور، فیلیپ ژینو به چاپ و انتشار آنها به انضمام چندین مهر متعلق به مجموعه‌داران تهرانی دیگر مبادرت کرد.^{۱۴} او در این فاصله سی‌ویک مهر گلی اداری دیگر مربوط به ناحیه ری را نیز منتشر ساخت.^{۱۵}

در سال ۱۹۸۹، در جمع‌بندی داده‌های مهرشناسی جغرافیای اداری از دوازده مهر اداری متعلق به ری یاد شده است.^{۱۶} بر اساس گزارش مذکور، ری دارای جایگاه استان بوده است: ۱. سرزمین ری متشکل از چندین بخش بوده که در آنها یک تشکیلات قضایی - مذهبی به نام موبدان، که در واقع نوعی "دفتر مغان" بود، به کار اشتغال داشته است (تصویر ۱، شماره ۷-۲، ۹، ۱۳-۱۱)؛ ۲. ری دارای یک تشکیلات اداری از نوع استانی

matic History of Rayy (New York, 1938).

۱۳. R. N. Frye, "Sasanian Clay Sealings in the Collection of Mohsen Foroughi," *Iranica Antiqua*, 7 (1968), 118-132.

۱۴. Ph. Gignoux and R. Gyselen, *Bulles et sceaux sassanides de diverses collections* [Cahier de Studia Iranica n° 4] (Paris: Association pour l'avancement des études iraniennes, 1987).

۱۵. Ph. Gignoux, *Catalogue des sceaux, camées et bulles sassanides de la Bibliothèque Nationale et du Musée du Louvre* (Paris: Bibliothèque Nationale, 1978), vol. 2, *Les sceaux inscrits*, bulles 10.1-31.

۱۰. R. Gyselen, "Sources arméniennes et sources primaires sassanides : harmonie et dissonance," in M. A. Amir Moezzi, J. D. Dubois, C. Jullien et F. Jullien (eds.), *Pensée grecque et sagesse d'Orient. Hommage à M. Tardieu* (Coll. Bibliothèque de l'EPHE, 2009), 297-311, quote on 303-304.

۱۱. S. Tyler-Smith, "Coinage in the Name of Yazdgerd III (AD 632-651) and the Arab Conquest of Iran," *The Numismatic Chronicle*, 160 (2000), 135-170.

۱۲. H. Gaube, *Anabosamidische Numismatik* (Braunschweig, 1973); G. C. Miles, *The Numis-*

بوده است یعنی *driyōšān jādaggōw ud dādwar* "مدافع و قاضی فقرا" (تصویر ۱، شماره ۱۴).^{۱۶} بالاخره مهر دیگری از ری نام تشکیلاتی را بر خود دارد که ظاهراً تاکنون از آن در منابع یاد نشده است (تصویر ۱، شماره ۱۵). ژینیو با احتیاط بسیار عنوان *(dastvār)*^{۱۸} و سپس *(nēvbār)* به معنای "پیامبر" یا نوعی "مأمور پست"^{۱۹} را پیشنهاد کرده بود. ما نیز در آن زمان قرائت *(nswb'l)* را پیشنهاد کردیم، بدون اینکه بتوانیم برای آن صورتی نوشتاری عرضه کنیم.^{۲۰}

در آن زمان آشنایی ما با منطقه ری به این واقعیت‌ها ختم می‌شد: ۱. احتمالاً یکی از اعضای خانواده مهران ری از نزدیکان شاپور اول بوده است؛ ۲. ری از اواخر قرن سوم به بعد دارای ضربخانه بوده است؛ ۳. در اواخر دوره ساسانی ری از جایگاه استان امپراتوری بهره‌مند بوده است.

آغاز قرن بیست‌ویکم مصادف است با انتشار منابع متعدد و جدیدی درباره تاریخ ساسانیان. بخشی از این داده‌ها مستقیماً به شهر ری و جایگاه آن در دستگاه امپراتوری مربوط می‌شوند.

داده‌های جدید بر اساس سکه‌های به‌دست‌آمده

در پی یافت شدن سکه‌های جدید متعلق به قرن سوم میلادی و پژوهش درباره آنها مشخص شد که ضربخانه ری در زمان حکومت بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م) سکه‌هایی به اسم ری ضرب می‌کرده است. در عین حال، مسکوکات بی‌نام هم از این دوره به دست آمده است. سکه‌های بی‌نام مذکور می‌توانند به سبب شکل خاصشان، که بسیار به سکه‌های LDY (ری = *ldy*) شبیه‌اند و با سایر فرم‌های سکه‌های بهرام دوم تفاوت دارند، به ضربخانه ری متعلق باشند.^{۲۱} حتی سکه‌هایی با عنوان ری در زمان حکومت هرمز دوم (۳۰۲ یا ۳۰۳-۳۰۹ م) ضرب شده‌اند. این سکه‌ها بی‌شبهت به مسکوکات ضرب‌شده

JT2 and JT3.

این برداشت ژینیو را در تفسیر شوارتس در ۱۹۶۹ هم می‌توان یافت که در آنجا به وجود سرویس پست ری اشاره شده است. بنگرید به

P. Schwarz, *Iran im Mittelalter nach den antiken Geographen* (Leipzig, 1896-1936; Réimpression Hildesheim and New York, 1969), 573.

20. Gyselen, *La géographie administrative de l'Empire sassanide*, 142, note 1.

این پیشنهاد در اصل کتاب نیامده است.

16. R. Gyselen, *La géographie administrative de l'Empire sassanide. Les témoignages sigillographiques* [Res Orientales n° 1] (Paris: Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient, 1989), 57.

17. Gyselen, *La géographie administrative de l'Empire sassanide*, 57.

18. Gyselen, *La géographie administrative de l'Empire sassanide*, bulle 103.

19. Gignoux and Gyselen, *Bulles et sceaux sassanides de diverses collections*, 35, MFT 30; 62-63.

در ری تحت حکومت بهرام دوم نیستند.^{۲۲} این سوال باقی می‌ماند که چرا هیچ‌یک از مسکوکات نرسه (ح. ۲۹۳-۳۰۲ م) به این سبک ضرب نشده‌اند و در نتیجه این تصور پیش می‌آید که شاید در آن دوره فعالیت کارگاه ری خاتمه یافته بوده است.

دیگر سکه‌هایی که در قرن سوم بر آنها اسم ضربخانه حک شده، وضعیت ری و نقش آن را روشن‌تر می‌کنند. در واقع همه این سکه‌ها در کارگاه‌های شرق ضرب می‌شدند: ضرب سکه از مرو و سکستان گرفته تا بلخ - البته فقط در عهد بهرام اول^{۲۳} - همگی نشان می‌دهند که ری یگانه ضربخانه مرکز امپراتوری بود که به امضای سکه دست می‌زدند است.^{۲۴} در قرن سوم میلادی حک نام مکان ضرب سکه امری نادر و بی‌شک دارای بار سیاسی ویژه‌ای بود. لذا می‌توان پنداشت که ساسانیان با این کار قصد نشان دادن تسلط خود بر سرزمین‌های شرقی نظیر بلخ، مرو یا سکستان را داشته‌اند. اما این پرسش باز باقی می‌ماند که چرا امین‌الضرب حک نام ری را بر روی چندین سری سکه لازم دیده است؟ آیا این امری تصادفی است که تحت حاکمیت بهرام دوم هم نام ری در یک کتیبه بلندبالا ذکر شده و از آن به منزله قسمتی از امپراتوری، احتمالاً در مقابل نام همدان، یاد شده است؟^{۲۵} هیچ شکی نیست که در دوره بهرام دوم واقعه‌ای بسیار بااهمیت رخ داده که ری و احتمالاً خاندان مهران، که ری مقر آنها بوده، در آن نقش برجسته‌ای داشته‌اند.

داده‌های به‌دست‌آمده از مهرهای اداری جدید

مهرشناسی بر دانسته‌ها افزوده است، اما به پیش‌تر از قرن ششم میلادی بر نمی‌گردد. این داده‌های نو در چهار موردند: ۱. حکومت "مدنی" استان؛ ۲. مناسبات میان ری و همسایگان؛ ۳. میزان توسعه استان و شهرهای آن؛ ۴. نام مرکز استان.

۱. حکومت "مدنی" استان

وجود مهری اداری با عنوان "مدافع و قاضی فقرا" نشان‌دهنده آن است که ری استان بوده است، اما هیچ ردی از آن در دستگاه‌های اداری دیگر ولایت، سوای آنچه ما

samidarum, 28.

24. Alram and Gyselen, *Sylloge Nummorum Sassanidarum*.

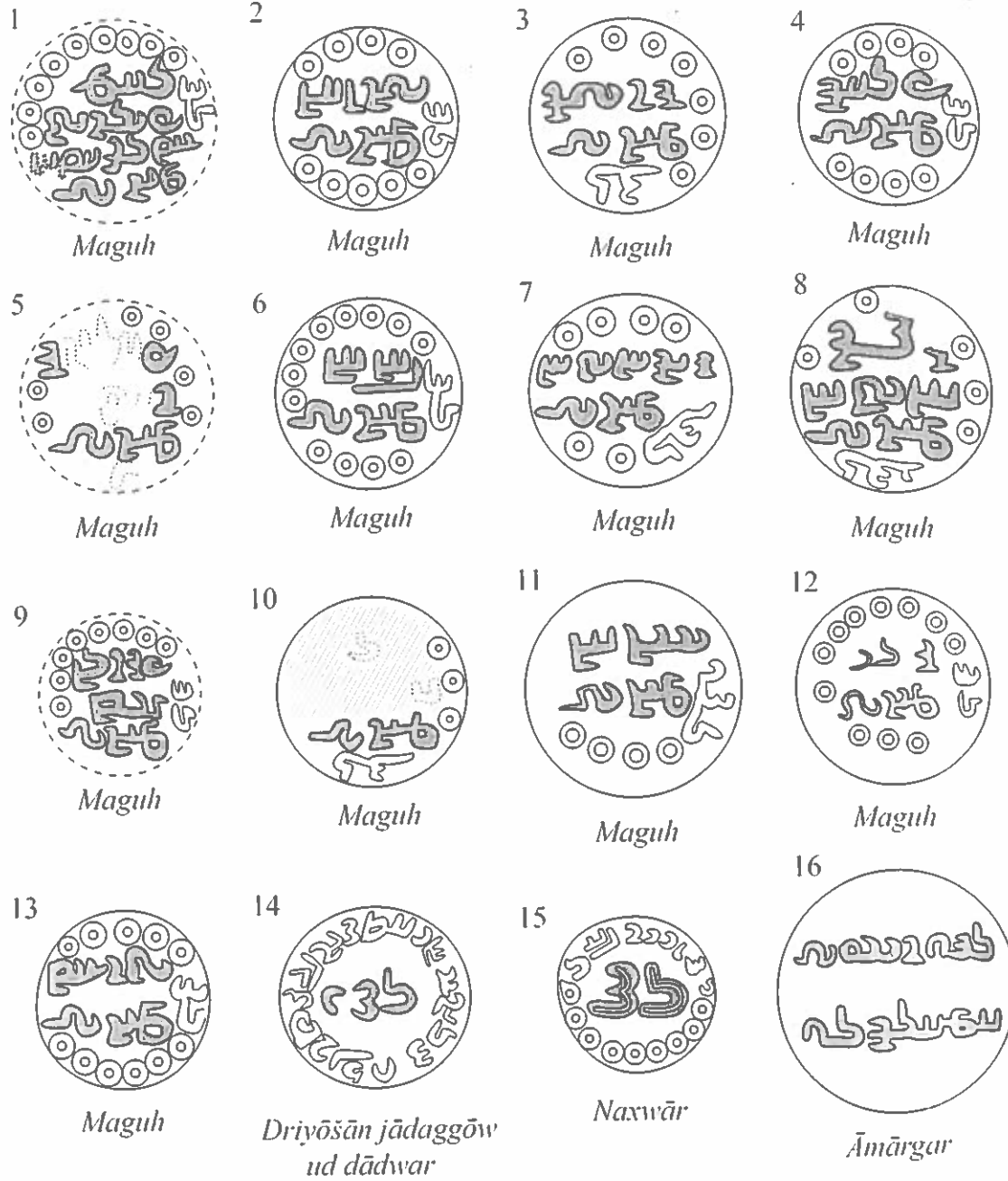
حرف *hwpy* بر روی چند عدد از این سکه‌ها دیده می‌شود که تاکنون نمی‌توانستیم آن را به ضربخانه‌ای نسبت دهیم.

25. Gignoux, "La liste des provinces de l'Éran dans les inscriptions de Šābuhr et de Kirdir."

21. M. Alram and R. Gyselen, *Sylloge Nummorum Sassanidarum. Tome II. Ohrmazd I. - Ohrmazd II.* (Paris/Berlin/Wien) [Veröffentlichungen der numismatischen Kommission, Band 53] (Wien: ÖAW, 2012), 37-38, fig. 13.

22. Alram and Gyselen, *Sylloge Nummorum Sassanidarum*, Tafel 65.

23. Alram and Gyselen, *Sylloge Nummorum Sa-*



تصویر ۱. مهرواره‌های اداری مربوط به پایتخت استان ری

(nswb'l) خوانده‌ایم، یافت نشده است. این اصطلاح، بعد از تفسیرهای متعدد، به کمک فرهنگ اندیشه‌کاو مفهوم شد. این اندیشه‌کاو عبارتی چون (naxwār)،^{۲۶} به معنی آنکه جای نخست دارد، را نیز نشان داده است.^{۲۷} عنوان (naxwār) که در منابع دست دوم از آن یاد شده و به تازگی ژینیو نیز بدان اشاره کرده است،^{۲۸} بر روی مهرهای دیگری هم از نوع اداری و هم از نوع رسمی دیده شده است.^{۲۹} اما هنوز نمی‌توان نقش این دستگاه اداری و جایگاه متصدی آن را معلوم کرد. به گمان ما، مانند شهرب (šahrab) و استاندار (ōstāndār)، این عنوان برای فرمانده "مدنی" ولایات به کار می‌رفته است.^{۳۰} در واقع، هیچ‌یک از ولایات حکومت ساسانی هم‌زمان به دست یک نخوار (naxwār) و شهرب یا نخوار و استاندار یا شهرب و استاندار اداره نمی‌شدند؛ دست‌کم این چیزی است که تا امروز می‌دانیم. در هر حال این سخن آخر نیست، زیرا رابطه بین کلمات شهرب و نخوار بر اساس کتیبه‌های پارسی اشکانی کال جنگال با داده‌های مهرشناسی در تناقض است.^{۳۱} البته باید توجه کرد که این دو منبع متعلق به یک دوره نیستند و اوضاع اداری قرن سوم میلادی، که بر کتیبه‌های کال جنگال منعکس شده است، لزوماً با اوضاع قرن ششم میلادی، دوره مهرهای اداری نخوار، یکی نیست. با این همه نمی‌توان از ذکر این نکته خودداری کرد که در مهرشناسی داده‌هایی وجود دارند که فرضیه ۲۰۰۴ را تضعیف می‌کنند.^{۳۲}

۲. مناسبات میان ری و همسایگانش

جمع‌آوری اسناد تازه مهرشناسی رابطه ری با ولایات دور خود را، به ویژه با اسپهان، نیز روشن می‌کند؛ امری که در متن‌های دوره اسلامی هم تأیید شده است.^{۳۳} از مهر اداری منصب (āmārgar) "آمارگر" (تصویر ۱، شماره ۱۶) بر می‌آید که ری و اصفهان با هم

29. R. Gyselen, *Sasanian Seals and Sealings in the A. Saeedi Collection* [Acta Iranica 44] (Louvain, 2007), 218; 1/135-136; 292-295; 3/54-55; 3/57-58.

30. Gyselen, "Toponymes sassanides composés avec le terme moyen-perse win(n)ārd," *Studia Iranica* (sous presse, 2014).

31. W. B. Henning, "A new Parthian Inscription," *Journal of the Royal Asiatic Society* (1953), 132-136.

32. Gyselen, "Toponymes sassanides composés avec le terme moyen-perse win(n)ārd."

26. M. Nordio, *Lessico dei Logogrammi Aramaici in Medio-Persiano, Quaderni del Seminario di Iranistica, Uralo-Altaistica e Caucasologia dell'Università di Venezia* (1980), I.

27. Ph. Gignoux, "Aspects de la vie administrative et sociale en Iran du 7ème siècle," in R. Gyselen (ed.), *Contributions à l'histoire et la géographie historique de l'empire sassanide* [Res Orientales, XVI] (Bures-sur-Yvette: Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient, 2004), 37-48, quote on 41-42.

28. Gignoux, "Aspects de la vie administrative et sociale en Iran du 7ème siècle," 41-43.

ناحیه‌ای را تشکیل می‌دهاند که دارای وسعت قابل توجهی بوده است؛ به‌خصوص اگر توجه داشته باشیم که هر دو پایتخت، یعنی ری و اصفهان، با فاصله ۳۵۰ کیلومتری از یکدیگر قرار دارند.

۳. میزان توسعه استان و شهرهای آن

دو مهر جدید مربوط به موبدان از استان ری به دست آمده است. بر روی یکی از آنها نام بخش شهرستان خوانا نیست (تصویر ۱، شماره ۱۰)، در حالی که روی مهر دیگر (تصویر ۱، شماره ۸) اسم شهرستان^{۳۳} (kadaganzān) خوانده می‌شود. این نام احتمالاً همان اسمی است که بر روی یک مهر اداری دیگر (kēkanzān)^{۳۴} قرائت شده است (تصویر ۱، شماره ۷). ممکن است رسم خط روی مهر اخیر بر اثر گرایش به نگارشی شکسته‌تر موجب شود حرف d، که به شکل شکسته نوشته شده است، با حرف y اشتباه گرفته شود.

متأسفانه در دست داشتن ده‌ها نام جغرافیایی مربوط به بخش‌های^{۳۵} شهر ری چندان کمکی به تعیین وسعت آن نمی‌کند، زیرا حتی موفق به مشخص ساختن محل یکی از آن بخش‌ها نیز نشده‌ایم.

۴. نام مرکز استان

به‌رغم تعداد نسبتاً قابل ملاحظه‌ای از مهرهای موبدان^{۳۶} در ناحیه‌ای که پایتخت استان ری در آن قرار داشت، تاکنون وجود چنین سازمانی مورد تأیید قرار نگرفته است. با این همه، انتظار اینکه نام پایتخت استانی به صورت ری - شهرستان، "پایتخت شهرستانی ری"، به دست آید قابل توجه می‌بود. در نهایت، نه فقط شاهی بر این مدعا را نیافتیم، بلکه به مهری اداری برخوردیم که نشان می‌دهد پایتخت استان ری، نه ری - شهرستان، بلکه رام - پیروز - شهرستان نامیده می‌شده است. مهری گلی که اثر مؤید رام - پیروز

33. Schwarz, *Iran im Mittelalter nach den arabischen Geographen*, 583.
34. D. Akbarzadeh, C. G. Cereti and F. Sinizi, *Glyptic Antiquities from the Museum of Khoy, Western Azerbaijan, Iran* [Reports and Memoirs, New Series, vol. VIII] (Roma: ISIAO, 2009), 72-73, no. 110.
35. Gyselen, *La géographie administrative de l'Empire sassanide. Les témoignages sigillographiques*, 57; note 143.
36. On peut nommer : b'n'n (fig. 1, n° 6), čwšt (fig. 1, n° 13), bn'n (fig. 1, n° 2), kdk'n'n (fig. 1, n° 8) = kyk'n'n (fig. 1, n° 7), kly (fig. 1, n° 12), kwk (fig. 1, n° 3), pkwz(l)t (fig. 1, n° 9), pl'k (fig. 1, n° 4), p[ʾkwp] (fig. 1, n° 5) et sw'n (fig. 1, n° 11).
37. S. Cazzoli / C. G. Cereti, "Sealings from Kafir Kala: preliminary report," *Ancient Civilizations from Scythia to Siberia. An International Journal of Comparative Studies in History and Archaeology*, 11: 1-2 (2005), 133-164, see 159, fig. 34.
38. Schwarz, *Iran im Mittelalter nach den arabischen Geographen*, 583.
39. P. O. Skjærvo, "The Great Seal of Pērōz," *Studia Iranica*, 32 (2003), 281-288, quote on 282-283.
40. Gyselen, *La géographie administrative de l'Empire sassanide. Les témoignages sigillographiques*, 60.

شهرستان بر آن منقوش است در پیوست تشریح و تصویر گردیده است. این واقعیت که یک مهر اداری آن را بر ملا ساخت، با آنچه طبری نقل می‌کند کاملاً مطابقت دارد. "پیروزشاه [ح. ۴۵۷ یا ۴۵۹-۴۸۴م] شهری در ناحیه ری بنا کرد و نام آن را رام پیروز نهاد."^{۳۸} با این همه، مشکل بتوان گفت که این شهر کانونی نوساز بود که در نزدیکی شهر قدیمی ری بنا شده بود، چنان که طبری مطرح می‌کند، بلکه ممکن است این نام لقبی افتخاری بوده که پیروز با تحمیل آن، نام شهر ری را به همان صورتی که وجود داشت عوض کرده باشد. در هر حال، از آنجا که هر استان بیش از یک مرکز ندارد، شکی نیست که در قرن ششم میلادی نقش مرکز استان به عهده رام - پیروز - شهرستان بوده است. اصطلاح رام، صلح، بعنوان صفت بر روی مسکوکات پیروز دیده نمی‌شود، لیکن بر روی مهر پیروز از وی به عنوان رام - شهر، "آنکه سرزمین را در صلح نگاه می‌دارد."^{۳۹} یاد شده است. گواه اصطلاح رام - پیروز در اسم استان شهر - رام - پیروز نیز به چشم می‌خورد.^{۴۰}



تصویر ۲. مهرواره‌های اداری مربوط به پایتخت استان ری

(Leyde, 1973), 122-123.

39. P. O. Skjærvo, "The Great Seal of Pērōz," *Studia Iranica*, 32 (2003), 281-288, quote on 282-283.

40. Gyselen, *La géographie administrative de l'Empire sassanide. Les témoignages sigillographiques*, 60.

که در کافرکلا پیدا شده است. با این همه، عکسی که نویسندگان مطلب چاپ کرده‌اند مشخص نمی‌کند که آیا مهر مذکور اداری است یا نه.

38. T. Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber zur Zeit der Sasaniden aus der Arabischen Chronik des Tabari übersetzt und mit ausführlichen Erläuterungen und Ergänzungen versehen*

به هر تقدیر، بی‌شک تغییر نام ری (شهرستان؟) به رام پیروز شهرستان، به فرمان پیروزشاه بدون حکمتی نبوده است، لیکن تاکنون مأخدی که حکایت از واقعه‌ای داشته باشد که بتواند موجب چنین تصمیمی شود به دست نیامده است. مانند شهرهای متعدد دیگری که نامی افتخاری و مرتبط با پادشاهی دارند، احتمالاً نام رام پیروز نیز بعد از عهد ساسانیان بر جای نمانده است، لیکن در تاریخ‌نگاری آن دوره اثری بر جای گذاشته است که وسیله تشخیص هویت حوزه اداری موبدان مستقر در پایتخت استان ری است.

در خاتمه می‌توان چنین استنتاج کرد که منابع دست اول حاکی از آن‌اند که نقش یا جایگاه ری در بعضی از ادوار (بهرام دوم، نرسه، هرمز دوم، پیروز، بسطام و یزدگرد سوم) دستخوش تحولاتی شده است، لیکن منابع مذکور برای روشن ساختن چگونگی آن تحولات وافی به مقصود نیستند.

ضمیمه: مهرواره‌های اداری مربوط به پایتخت استان ری

این مهرواره متعلق به آقای صفدری است، با رنگ قهوه‌ای تیره و ابعاد ۵۷x۶۰ میلی‌متر. در هر دو طرف محلی که این مهرواره را به شیء مورد نظر مهر و موم کرده‌اند، سائیدگی ایجاد شده و رد شیء را بر آن می‌توان مشاهده کرد. بر این مهرواره نقش چهار مهر مشهود است:

الف. مهر اداری به ابعاد ۲۳x۲۳ میلی‌متر که نوشته زیر را در وسط آن، روی چهار خط، می‌توان دید:

- l'm. ۱
- pylwc. ۲
- štrdst'n. ۳
- mgwh. ۴

لبه مهرواره بر محور ساعت ۳، Id و در ادامه آن ۹ حلقه

رام پیروز شهرستان موبد ری یعنی "موبد از رام - پیروز - شهرستان" [از استان ری]

ب. بر محور ساعت ۲ بر روی مهر اداری، نقش صاف به ابعاد ۲۳x۲۳ میلی‌متر

شیر خوابیده در سمت راست، صورت رو به جلو

نوشته دور مهر به خط شکسته است، بر محور ساعت ۳ تا ۹ و ساعت ۵ تا ۶. این

نوشته از روی عکس خوانده شده و با اصل مطابقت داده نشده است. ژینیو آن را چنین خوانده است

m'h'n Y 'twrd't'n / 'pzwn, i.e. Māhān ī Ādurdādān abzūn

ج. بر محور ساعت ۱۲ بر روی مهر اداری اثری به ابعاد ۱۰x۱۱ میلی‌متر

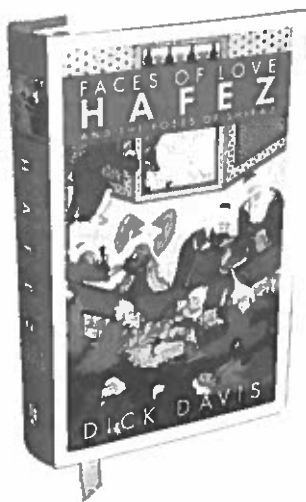
نقشی محدب که در قالبی جای گرفته است. در این حالت، گوزن در سمت راست قرار می‌گیرد. بر محور ساعت ۱ یک هلال وجود دارد.

د. بر محور ساعت ۴ اثری به ابعاد ۱۰x۱۲ میلی‌متر

نقشی محدب که در قالبی جای گرفته است. قوچ در سمت راست قرار می‌گیرد.



تصویر ۳. پشت و روی مهرواره، از مجموعه آقای صفدری



"For me, the most remarkable poetic translation project in the last twenty years has been Dick Davis' ambitious recreations of classical Persian literature. ... Finally, Davis has brought us new versions of Hafez and the great Shiraz' poets. What can I say about this new book except: Yes! at last we meet one of the greatest lyric poets in history fully alive in English."

— DANA GIOIA, FORMER CHAIRMAN OF THE NEA AND AUTHOR OF, *PITY THE BEAUTIFUL: POEMS*

"The Translations of the poems are superb, and they open up a new world even for those who know Persian well."

— W.L. HANAWAY, *CHOICE*

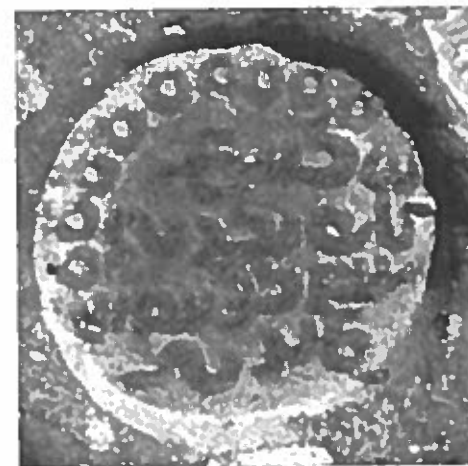
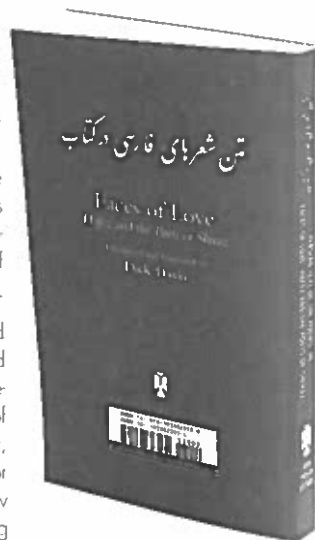
A giant of world literature, an eloquent princess, a dissolute satirist—these are the three voices translated from fourteenth-century Persian by Dick Davis in *Faces of Love*. Together, they represent one of the most remarkable literary flowerings of any era. All three—Hafez, Jahan Malek Khatun, and Obayde Zakani—lived in Shiraz, a provincial capital in south-central Iran, and all drew support from arts-loving

rulers at a time better known for invasions and political violence. Love was a frequent subject of their work, spiritual as well as secular, in varieties embracing every aspect of the human heart.

They could hardly have been more different. Hafez—destined to win fame throughout the world—wrote lyrical poetry that was subtle, elusive, and rich in ambiguity. Jahan—largely forgotten until recent decades—was a privileged princess who could evoke passion, longing and heartbreak with uncanny power. (As Davis says: "To have this extraordinary poet's fascinating and often very beautiful poems emerge from six hundred years of virtual oblivion seems almost miraculous.") Obayd—a satirist and truth teller—celebrated every pleasure of the flesh in language of astonishing and occasionally obscene honesty.

In his introduction, Davis—himself a gifted poet as well as an acclaimed translator and scholar of Persian literature—describes the turbulent world of the three poets and recounts what is known of their lives. His scene-setting includes explanations of poetic conventions of the day: the rules of rhyming and meter, the stylized relationship between author and subject, and the way language sometimes lovers between male and female or between sacred and secular meanings. Detailed explanatory notes follow the poems, along with some personal reflections on the challenge of trying to catch the poetic genius of a culture distant in space and time. Dick Davis does it brilliantly: *Faces of Love* is a bridge that carries us to another age.

As a translator, an eminent scholar of Persian literature, and an acclaimed poet, Dick Davis has published more than twenty books. Educated in England and a member of the Royal Society of Literature, he lived in Iran for eight years. He has taught at the University of California and Ohio State University. His recent translations include Ferdowsi's *Shahnameh: The Persian Book of Kings*, chosen as one of the "ten best books of 2006" by the *Washington Post*.



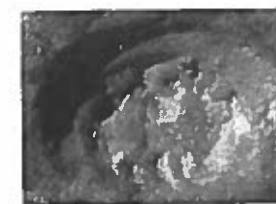
1



2



3



4

تصویر ۴. نقش‌های روی مهرواره، از مجموعه آقای صفدری

ژاله آموزگار
سال ۲۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، ۳۱۴



ژاله آموزگار
سال ۲۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، ۳۱۴

Jaleh Amouzegar
Volume 29, Number 2, Summer 2014

بخش فارسی

- بزرگداشت و ستایش از زبان های ایرانی
بدرالزمان غریب
- رستم و زین بنگ او
بهرام گیلانی
- نقوش کهن در الهامات ایرانی کشته نمی شود؟
پروانه پورشاریاتی
- زبان در عصر ساسانیان بر اساس منابع پایه
رضا کتبی و حکمتی پور درویش
- تئوری ارتبالات و هنر در ایران عصر ساسانی
عصر الهی
- پرسیس در نوشته های یومی راست کیمیا زرتشتی، ایالت فارس و نوشته های معیار فارسی میانه
پونا شیمورادی
- مهرپرستی و ساختارهای اجتماعی و آرماتی عیاری در "حبابه" نسیبک عیاری
پروانه پورشاریاتی
- ژاله آموزگار و گرارد نیولی: گزارش کتاب چاپ نشده نیولی درباره تاریخ نگاری از اسکندر تا اردشیر
علی کتبی
- اندرزهای پهلوی در ادب فارسی
فریاد قندهاری
- مقایسه حکایت عاشق شدن پادشاه بر کنیزک در مثنوی معنوی با تمثیلی ماثوری
امید بهبهانی
- تفسیری عارفانه از داستان حضرت موسی به روایت قرآن
پارسا دهخدا
- پیشنهاداتی برای تصحیح ابیاتی در دیوان فرخی نسبیسانی
محمود امیدسالار
- بخش انگلیسی**
- برداشتهای واژه شناسی از وید یوفاد پهلوی
پروانه پورشاریاتی
- ترتیب و واژه شناسی کلمات ها
علی پورشاریاتی
- دو واژه سنگینی
علی پورشاریاتی
- جای خالی داستان اوش گمانگیر در شاهنامه
علی پورشاریاتی
- استواران یارانی
علی پورشاریاتی
- بزرگوار نسبی اردشیر
علی پورشاریاتی

Iran Nameh

A Quarterly of Iranian Studies
Volume 29, Number 2, Summer 2014

A Special Issue Honoring Jaleh Amouzegar
Edited by Parvaneh Pourshariati and Mohamad Tavakoli

English Section

- Philological Gleanings from the Pahlavi Videvdad**
Prods Oktor Skjaervo
- Gathic Composition and Lexicology**
Martin Schwartz
- Two Sogdian Words**
Zohreh Zarshenas
- Parthian Cavalry**
Dan Shapira
- Whither the Story of Arash in the Shahnameh?**
Saghi Gazerani
- Ardashir's Genealogy Revisited**
Maria Macuch

Persian Section

- The Horse and the Rider in Iranian Languages**
Badrolzaman Gharib
- Rostam and His Zin-i Palang**
Nicholas Sims-Williams & Ursula Sims-Williams
- Zahhak: Whither his Death in Iranian Myths?**
Abolhassan Tahami
- Rayy During the Sasanian Period**
Rika Gyselen with Touraj Daryaei
- Kingship and Religion during the Sasanian Period**
Nasser al-Kaabi
- The Local Provenance of "Orthodox" Zoroastrianism**
Pooriya Alimoradi
- Mihr Worship and the Samak-i Ayyar**
Parvaneh Pourshariati
- The Unpublished Manuscript of Gherardo Gnoli**
Philippe Gignoux
- Pahlavi Counsels in the Persian Literary Tradition**
Firouzeh Qandehari
- Rumi's Masnavi and Manichaean Allegories**
Omid Behbahani
- A Mystical Interpretation of the Qur'anic Moses Story**
Parisa Derakhshan
- Restoring Farrokhi's Divan**
Mahmoud Omidasalar

ISSN 2159-421X (online)
ISSN 0892-4147 (print)

بنیاد مطالعات ایران
Foundation for Iranian Studies